



راویان ایثار...

به راستی نقش تصویر گران، در ماندگاری حماسه ها و رویدادهای تاریخی ملتها از چه مرتبتی برخوردار است؟ بی تردید بخش قابل توجهی از حافظه تاریخی بشر امروز، مرهون تلاش تصویرگرانی است که پیشینه تاریخی وی را حفظ و امکان دستیابی به تجربه های گرانسنگ گذشتگان را میسر ساخته اند. رویداد عظیم انقلاب اسلامی نیز بی شک مدیون تلاشها و ایثارگریهای تصویرگرانی است که با حضور جسورانه و مومنانه خویش، ابعاد و جوانب گوناگون این حماسه سترگ را ثبت و ضبط کردند و در اختیار آیندگان قرار دادند.

ابن رویداد عظیم از جنبه های گوناگونی قابل تامل و بررسی است. از جمله آنکه دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، پیوسته سعی داشته اند شعله های فروزان این آتش گرمی بخش را فرو بنشانند و چه در روزهای او جگیری انقلاب و چه پس از آن، به حربه تحریف و سانسور و سکوت خبری متوسل شدند. بی گمان نقش تصویرگران و عکاسان انقلاب در شکستن جو خفقان و مملو از اکاذیب و شایعه ای که رژیم با توسل به آنها، در پی استمرار بخشیدن به حکومت ننگین خویش بود، نقشی بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده بود. در آن روزهای سیاه و سکوت خبری، هراز چندی، مردی از این مردستان، جان بر کف می نهاد و برای ثبت لحظه ای تاریخی که سند محکم اثبات مظلومیت ملتی بود که با خون و مشقت گره کرده به مصاف ارتشی تا بن دندان مسلح رفته بود، خود را به آب و آتش می زد و در معرکه مظلومیتی مضاعف (از آن روی که سرسپردگان رژیم، تشنه به خونش بودند و مردمان نیز او را عامل رژیم می پنداشتند) بغض در گلو و دوربین در دست، به قیمت جان و مال و سلامتی خویش به ثبت تصویری می پرداخت که با سرعتی حیرت آور، تبدیل به سند رسوائی رژیم می شد و پر دور نرفته ایم اگر بگوئیم که در میان اصحاب رسانه، رژیم بیش از هر کس دیگری، اینان را دشمن خویش می دانست، زیرا به باور پذیرترین و سریع الانتقال ترین ابزار رسانه ای، مجهز بودند و برای فهم زبان ایشان، یعنی تصویر، به هیچ تفسیر و شرحی نیاز نبود. در روزهای اوج انقلاب و در ایامی که سیر حوادث با شتابی حیرت انگیز پیش می رفت، یک تصویر کار آمد، کار صدها هزار کلام را می کرد و کم نبودند روزهایی که رژیم در اثر انتشار یکی از این تصاویر هوشمندانه و مومنانه، به کلی خلع سلاح می شد و از سر ناتوانی به تعقیب تصویرگر شجاع آن می پرداخت.

تلاش عکاسان انقلاب که اغلب آنان در طول دوران جنگ نیز راویان مخلص پایمردیهای فرزندان انقلاب بودند، در یاوریهای ارزشمندشان برای ارتقای سطح آگاهی و هوشیاری مردم، در خور تجلیل و اکرام بی شمار است. آنان در شرایطی به حفظ و ثبت عظمت انقلاب پرداختند که دست قدرتمند سانسور، پیوسته در تعقیبشان بود و تلاش در چنین شرایطی، مستلزم جسارتی بی بدیل بود و خطر کردنی بی نظیر. آیا عکاسان انقلاب توانستند عظمت این رویداد یگانه را بر نگاتیوهای دوربین خویش نقش زنند و آیا تصاویر تکرارناشدنی آنها به شکلی شایسته حفظ شدند؟ اینها سئوالاتی هستند که در این ویژه نامه به

تفصیل پاسخ داده خواهند شد، لیکن در این راستا از یاد نبریم که روزنامه های فعال دوران ستمشاهی بیش از سه عنوان نبودند و در این جو نامساعد، طبیعتا تعداد عکاسان با صلاحیت و حرفه ای که در شرایط دشوار مبارزه و حکومت نظامی قادر به انجام کار دشوار تصویرگری بودند، به هیچ وجه با ابعاد گسترده و شتاب حیرت انگیز انقلاب اسلامی تناسب نداشت و از همین روست که با مروری بر آثار ارزشمند و فراوان عکاسان دوره انقلاب، به اوج پایمردی، پیگیری، استقامت و ایثار آنان، آن هم در شرایط ستمگری دشمن و بی مهری دوست که حاصل آن فشار مضاعف روحی و جسمی بود، می توان پی برد.

متأسفانه قدر و منزلت این هنرمندان گرانمایه، این حافظان و ثبت کنندگان صحنه های عزت و اقتدار ملت ایران، بسیار مورد بی مهری و بی توجهی بوده و دلگیریها و شکوائیه های دردمندان ای راسب شده و بسیاری از آنان را وادار ساخته تا برای کسب حداقل معاش، در چتر مشاغلی گرفتار آیند که به هیچ وجه با دقت نظر، لطافت روح و مناعت طبع اینان سازگار نیست. عکاسان انقلاب، ناشناخته باقی مانده اند و به راستی شایسته دلجوئی و اکرام و اعزازند. بسیاری از آنان با خاطری آزرده، یادگاران گرانقدر خویش را گذاشتند و گذشتند، عده ای نیز بستر نشین رنجها و بیماریهای بی شمار خویشند. اینان بزرگمردانی هستند که تهدیدهای رژیم ستمشاهی و تطمیعهای دشمنان و بدخواهان، آنان را از ادامه راه باز نداشت، اما بی مهریها و قدرناشناسیها، خانه نشینشان کرد. اینک زمان آن فرا رسیده است که مومنان به آئین رحمت و شکر، گوش جان به شکوائیه های کسانی بسپارند که خستگی ناپذیر، شجاعانه و هوشمندانه، پیام مظلومیت مبارزان و شهدار را با همه فهم ترین ابزار رسانه ای به دنیا ابلاغ کردند و شایسته نیست که از تجلیل و اکرامی در خور محروم بمانند که شکر حضور بزرگان، شکر پروردگار مهر و عزتمندی است.

سر دبیر

